



جبار دست باز

یادداشت

◀ وقوع قتل‌های ناموسی هرچند از گذشته‌های دور وجود داشته

است اما به شیوه‌ای اسفناک درایران وکوردستان با وجود بالارفتن آگاهی جامعه ونرخ سواد درعصر حاضر نه تنها این پدیده شوم کم نشده است بلکه در بعضی جاها شاهد افزایش آن هستیم.حتی بحران کرونا هم نتوانست این پدیده دهشتناک را متوقف کند و در ماه‌های اخیر قتل زنان ودختران توسط نزدیکانشان به خیره‌های ذاق فضای مجازی تبدیل شده است.از سویی کنشگران اجتماعی هراسناک‌تر از همیشه به دنبال چاره‌یابی برای این پدیده هستند ازسویی دیگر کفه ترازوی افکار عمومی جامعه به نفع قاتلان این پدیده‌ها سنگینی میکند ویا کمال تعجب وبدون دانستن جزئیات حادثه قتل را به بهانه ناموس مشروع جلوه می دهند.

«هیچ کسی بدون دلیل جگر گوشه‌اش را با این قساوت به قتل نمی‌رساند حتما دلیلی داشته است دختر و زن باید حتما سایه یک مرد بالای سرشان باشد وگرنه خدا می داند چه بلایی سرشان می‌آید، هیچ برادری دوست ندارد به پدیده‌ها آسیب برساند مگر اینکه به آخر خط رسیده باشد» زانک۱۴ساله که که در یکی از محلات شهر سنندج مغازه میوه وسبزی فروشی داری داری تحصیلات تکمیلی نیز هست این را می‌گوید وسبزی‌هایش را دسته بندی می کند، همزمان با صحبت کردن کار مشترایشان را هم را می اندازد. وی تمام قد از قتل‌های ناموسی دفاع می‌کندد وتمام تقصیرات راهم به گردن زنان ودختران می‌اندازد ومردان را بی گناه ومنزه جلوه می‌دهد. وقتی سعی می‌کنم او را قانع کنم که ممکن است سوتفاهم باعث خیلی از این مسائل شود با این جمله که خودت را جای پدر یا برادر آنها بذار اگر خواهرت نصفه شب به خانه برگردد چه کار میکنی؟ سعی در برنده شدن دراین مناظره دارم.تفکرات زانک!تنها نیستند ونشاید با حشرات بتوان گفت اکثریت جامعه مردسالار وحتى بعضی از خود زنان هم وقوع قتل‌های ناموسی را دلیلی موجه بر ناپاکی زنان می‌دانند.برای همین است قاتل این قتل‌ها در بعضی موارد قهرمان جامعه خود

راه دشوار ریشه کن کردن

قتل‌های ناموسی



است زیرا از نگاه توانسته لکه ننگی را از پیشانی خانواده،طایفه وروستا یا شهر پاک کند.اما این تمام قضیه نیست زیرا در بعضی موارد تنها سوظن وتهمت دختران وزنان بخت برگشته را به کام مرگ فرو برده است وخانواده هم بعد از مدتی این را فهمیده‌اند اما پشیمانی را چه سود؟

زنان بی گناهی که قربانی بهتان شدند

«خدا شاهد است «کبری» بی گناه بود بیشتر از ده سال همسایه بودیم خیانت را از چشم‌هایم دیده باشم از او ندیدم.زنی خسرو مهمان نواز بود «نهیبه خانم» صدایش را آهسته می‌کند ومی‌گوید تنها دلیل تهمت بستن به او این بود به اجبار خانواده با مردی که دوست نداشت ازدواج کرده بود.از آن موقع به بعد هروقت دیدمش چشمانش گریان بود چندین بار قهر کرد وهو خانه پدرش بازگشت اما به اجبار خانواده دوباره بازگشت پیش شوهرش.روز

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

بازگشت

قتلهای ناموسی که بیشتر در جوامع سنتی دیده می‌شود چند سالی است در ایران وکوردستان فعالان اجتماعی را نگران کرده است.اما دلیل اصلی این پدیده شوم چیست؟و درچه جوامعی بیشتر اتفاق می‌افتد پراکندگی این اتفاق که در نواحی دور روستایی تا مرغه‌ترین نقاط شهری اتفاق می‌افتد شاید تحلیل آن را مقداری دشوار کند.از قتل دوخواهرتوسط برادرشان در محله نایسر سنندج گرفته تاقتل دختر توسط پدر در یکی از محلات مرفه نشین وکشتن زن ۲۲ساله در مریوان توسط پدر وعمو این پیام را به ما می‌دهد تانجات یافتن از این پدیده شوم هنوز راه درازی در پیش داریم.

بستر مناسب کوردستان برای قتل‌های ناموسی

«گلاله وطن دوست» وکیل وفعال حقوق زنان با نا امیدی هرچه تمامتر به این پدیده نگاه می‌کند و «به دوگنی کوردستان»، می‌گوید: متأسفانه جامعه ما به جای پیشرفت در حال رقابت برای پسرفت است.هنوز مرد سالاری ناموس پرستی در جامعه کوردستان به قوت خود باقی است.هنوز افکار عمومی در کوردستان اسیر کلیشه‌های ذهنی وجنسی است که زنان را ملک بی چون وچرای مرد می‌داند وخلا قانونی هم به این مساله دامن می‌زند. وطن دوست با اشاره به قتلهای ناموسی که در سالهای اخیر در کوردستان اتفاق افتاده است، می‌گوید: متأسفانه هنوز بستر فرهنگی برای خلاصی از این پدیده وجود ندارد.درحالی که مرد زن را مانند ملک یا ناموس خود در قالب همسر دختری یا خواهرش می‌داند هیچ امیدوی بهتر شدن وضعیت وجود ندارد وی با اشاره به اینکه این دیدگاه حتی درمیان بعضی از مردان به ظاهر روشنفکر دیده می‌شود وتنها برای ژست گرفتن بعضی از حرف‌ها را می‌زنند وگرنه آنها هم رسوب ذهنی مرد سالاری دارندو در خانه همان قانون ناموس پرستی را رعایت می‌کنند.می‌گوید: خود مرد کورد اسیر همان ناموس پرستی است تا زمانی ذهنیت ناموس پرستی در جامعه حاکم باشد متأسفانه باید منتظر قتل‌های ناموسی بیشتری باشیم.

«وطن دوست»با اشاره به اینکه بعضی از قتلهای ناموسی هم از سوی خانواده‌ها خود کشی معرفی می‌شود از قتل وحشتناک زنی ۲۲ ساله به نام«د.د.» درمریوان می‌گوید که سال ۶۹در مریوان اتفاق افتاد و خانواداش مرگ وی را خودکشی جلوه داده بودند در حالی که پدر وعموی نامبرده به زور او را ازشوهرش تلافیح می‌گیرند وخودشان در زیر زمین خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

زمن خفه‌اش می‌کنند.

به‌نام«شرف»

به کام سنت!



رشید احمدرش

یادداشت

◀ یک؛ خشونت برای ما، مفهوم ناشناخته‌ای نیست،

جغرافیای زندگی ما مملو از تصاویر و صحنه‌های خشونت‌آلود است. از اخبار تلویزیون گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و… پرچم سرخ و خون آلود انواع خشونت درهاتراز است. صفحه حوادث روزنامه‌ها پر است از وصف پر آب و تاب انواع خشونت، خصوصا خشونت‌های خانوادگی! خشونت در ما ریشه دوانده است! در کوچه، در خیابان، درخانه، در کلاس و مدرسه به آن خو گرفته، با آن رشدیافته، بی آنکه به انجام و فرجامش بیندیشیم!(اگر اصلا فرصت، حوصله و نای اندیشیدن داشته باشیم!) در آغوشش می گیریم. علیه خود، علیه دیگران، فرودستان، علیه دوستان و نزدیکانمان بکارش می‌گیریم و اجازه می‌دهیم تا علیه‌مان به‌کارش گیرند. باری، ما با خشونت، از زخم‌ت‌ترین نوع آن تا نرم‌ترینش، «خشونت نمادین» به تعبیر بوردیو، در معامله و معاشقه‌ای مدام و پرتکراریم!

دو؛ جامعه ما،جامعه‌ای درحال گذار و به تعبیری گرفتار بین سنت و مدرنیته است. کشاکشی تناقض‌آلود و پرماجر و هزینه‌بر! در چنین شرایطی، هـرآن روح و روان کنشگران اجتماعی چنین جامعه‌ای لبریز از خشونت بوده، هم از سنت و هم مدرنیته به صورت توأمان خراش می خورد. تداوم دیربای سنت‌های ناسالواره با جهان مدرن ازجمله؛ مردسالاری، زرنینه‌محوری، قوم‌محوری، سنت‌باوری و… در شرایط فقدان و ضعف قوانین و ضوابط نهادی بایسته و شایسته، بسترها و مشق‌های لازم جهت انجام چنین سطحی از خشونت را ایجاد می کند.

ابهام در تفسیر و فهم مفاهیمی چون؛ شرف، ناموس، وجدان گروه و خانواده، حرمت‌ها، انگ‌ها، پاکدامنی و…کنشگران اجتماعی را خصوصا در شرایط آتومیک برای نمونه درشرایط فشارهای فزاینده اقتصادی، کرونا و… دچار ابهام در ایفای نقش و نهایتا به تعبیر جامعه‌شناسی دچار شکست در ایفای نقش خواهد نمود.

در شریط آتومیک(Anomic) به تعبیر دورکیم جامعه مستعد بروز و ظهور انواع مختلفی از ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد بود. از افسردگی، خودکشی و قتل و خشونت گرفته تا انواع جرایم ریز و درشت دیگر. ازاین رو، در شرایط فشارهای متراحم و تراکم و هم‌افزای ساختاری، هرگونه تنوعی به مواجعه فردی و روان‌شناسانه به پدیده‌هایی از نوع دگرگشتی، فرزندگشتی، همسرگشی و…تجدید و تقلیل نابخردانه از نوع «مساله‌پاک‌کنی» خواهد بود! غیاب نهادهای حامی زخم خوردگان، مطرودین و بزه‌دیدگان اجتماعی ضعف نهادسازی، خصوصا نهادهای جامعه مدنی، تضعیف سمن‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و… دچار دژکارکرد(misfunction)شدن روزافزون نهادهای آموزشی-تربیتی، خود مزیت بر علل فوق شده، بر شدت و دامنه مساله افزوده است. ضعف زیرساخت‌های قانونی، آموزشی و فرهنگی و مواجهه سکوت‌بارجامعه با فاجعه، باعث تداوم و تشدید این فاجعه خاموش شده است.

جامعه سنتی، به جای همدردی با قربانی، عموما از طریق تمجید ناگفته کنش‌های خشونت‌بار انجام شده و تحسین ناخواسته عاملان و آمران(گاها بزرگتران افراد کم سن و نوجوان گروه، عشیره یا خانواده را به جهت تخفیف و فرار از مجزات‌ات به انجام عمل مجرمانه خشونت‌تسویق و مجبور می‌کنند)، درصدد تشفی روح و روان خراشیده جمع و گروه برمی‌آیند.

ازاین رو، بازنگری در آموزش‌ها فرهنگی و تربیتی، تصویب و تسریع در اجرای قوانین شفاف و عادلانه در حمایت از گروه‌های آسیب پذیر نظیر؛ کودکان، زنان، سالمندان و…،در کنار حساسیت‌های اجتماعی و مسولیت‌پذیری بیشتر نهادهای مرتبط، گفت‌مان سازی خشونت‌پرهیزی و ترویج رواداری و تساهل فکری، فرهنگی، مذهبی و…می‌تواند در مدیریت و تقلیل سطح و دامنه انواع مختلفی از خشونت ازجمله؛ خشونت‌های خاموش خانوادگی و قتل‌های ناموسی موثر باشد.



کوردستان‌شاهمردادی

بادامش

◀◀ **کوردستان شاهمردادی / دهنگی کوردستان:** رومینا، فاطمه و ریحانه؛ سارینا، زعفران، هوزان و نازنین امروز و شیددا و شهین دپروز کوردستان هستند که در نبود قدرت رسانه‌ای و عدم توجه و اهمیت رسانه‌های مرکز به آن دیده نشدند و موج رسانه‌ای و هشتگ زدن برای آنها درست نشد، خون‌هایی که به ناحق و به دلیل فرهنگ و سنت واپسمانده، غیرت و تعصب مردانه، سوءظن، قومیت و تبعیض، ازدواج اجباری و غیره در روزهای گرم و سرد کوردستان در کوه و دشت، در وسط میدان شهر و روستا و یا در خانه‌هایشان به دست پدر، برادر و شوهرانشان ریخته شد و امثال آنها هم اگر شانس بیاورند و گوش تا گوش سر بریده نشوند و یا از شدت خشونت و عذاب دادنشان خود را نسوزانند کتک و آزار جسمی و روحی آنها در پیستوی خانه پنهان می‌ماند و صدایشان به جایی نمی‌رسد.

در جهان سالانه بیش از شش‌هزار زن قربانی قتل‌های ناموسی می‌شوند و این آمار بنا بر ادعای ایسنا و تحقیقات دانشگاهی در ایران سالانه به ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد می‌رسد که حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌ها و ۵۰ درصد قتل‌های خانوادگی را تشکیل می‌دهد و این آمار در کوردستان تنها در مدت ۷ ماه در سال ۸۸ بیش از ۱۰ زن، در سه ماهه پایانی سال ۹۱ تنها در مریوان و روستاهای اطراف آن سه زن قربانی قتل‌های ناموسی شده‌اند. در سال ۹۷ کوردستان با داشتن ۱۴ قتل از ۳۳ قتل ناموسی در کشور دارای بالاترین آمار بوده و کرمانشاه با ۸ قتل در ردیف دوم قرار دارد. از حیث سلحه، ۴ مورد بر اثر ضرب و شتم ، ۳ مورد حلق آویز کردن، ۱ مورد به آتش کشیدن و ۲ مورد شکل نامعلومی داشته است. آمار کشتار زنان در کوردستان سال ۹۸ نیز تکان دهنده است، از ابتدای آن سال تا آذر ماه، ۱۰۳ زن به دلیل اختلافات خانوادگی و ترس مدام از کشته شدن توسط اعضای خانواده خودکشی کردند و ۲۵ زن قربانی قتل ناموسی شدند.

برای آگاهی بیشتر از این مسأله در کوردستان با نظرات کارشناسی «بیان عزیزی» پژوهشگر و فعال حوزه زنان، دکتر «هادی نقدی» روانشناس و روان‌درمانگر و «شیمیا قوشه» وکیل دادگستری و فعال حوزه زنان به واکاوی موضوع پرداختیم که نظرات آنها در گفت‌وگو با دهنگی‌کوردستان بدین شرح است:

بیان عزیزی ابتدا با اشاره به آمار ضد و نقیضی که در خصوص قتل‌های ناموسی در کوردستان وجود دارد، می‌گوید: در سال ۹۸ طبق آمار ی که جنبه رسمی دارد ۳۷ مورد فقط در استان کوردستان قتل ناموسی اتفاق افتاده اما آمارهایی که از طرف سازمان‌های حقوق بشری ارائه می‌شود خیلی بیشتر از این تعداد است. عزیزی ادامه داد: تنها در ۳ ماه نخست سال ۹۹ بر اساس آمار ی که ارائه شده ۱۱ مورد قتل دانشجو این رقم نخست می‌دهد در سه ماه نخست سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ ما افزایش قتل‌های ناموسی رخ داده است.

عزیزی در پاسخ این سوال که آیا خودسوزی و خودکشی در اثر فشار و آزار و اذیت جسمانی و روحی زنان را می‌توان روی دیگری از قتل‌های ناموسی دانست، می‌گوید زمانی که از خودکشی یا قتل ناموسی صحبت می‌شود هر دو ذیل گروه کشتار زنان قرار می‌گیرد. وقتی شکاف‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در جامعه‌ای بسیار بالا هست و فرهنگ و عرف جامعه مبنی بر یک فرهنگ مرد سالار و پدر سالار است خودکشی‌هایی هم که انجام می‌شود ربط مستقیمی به زن‌ستیزی و میزان خشونت و فشار به زنان است و نسبت مستقیمی بین این دو مقوله وجود دارد. برای زنی که مورد خشونت قرار گرفته در بیشتر روایت‌ها می‌بینیم که پدر، همسر و برادر در درجه نخست این سه نفری که قاتل و بانی قتل زنان هستند بارها خواستند و یا حتی آرزو کردند که مقتول خودش به زندگیش پایان بدهد یعنی روش خودکشی را ترجیحاً به خود مقتول پیشنهاد کردن و در جاهایی که مقتول خودکشی نکرده قتل ناموسی و کشتار ناموسی را انجام داده‌اند. به نظر من خودکشی و خودسوزی زنان روی دیگر قتل‌های ناموسی است.

عزیزی در خصوص اینکه آیا خشونت نسبت زنان در جامعه کوردستان پذیرفته شده و در واقع تا چه اندازه جامعه‌پذیری زن‌ستیزی به افزایش خشونت و وقوع قتل ناموسی دامن زده است، تصریح می‌کند: وقتی از زن‌ستیزی در یک جامعه و یا جامعه کوردستان صحبت می‌کنیم حوزه روابط خانوادگی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگ و قانون را باید در نظر گرفت که میزان خشونت در هر کدام متفاوت است. در هر حوزه‌ای که ما بخواهیم قتل‌های ناموسی را بررسی کنیم اگر این حوزه جامعه‌ای باشد که تحت تاثیر عرف، فضا و فرهنگ مردسالاری هستش هنجارها هم توسط مردان تعریف شده و طبق هنجارهایی که آنها تعریف کردند در نتیجه هر زنی که از این هنجارها بخواهد عبور کند و این هنجارها را در هم بشکند از نظر آنها یک نوع کج‌رویی و در هم شکستن عرف جامعه اتفاق افتاده و بلافاصله باید سرکوب شود.

عزیزی اشاره می‌کند: نهادهای حمایتی در جایی می‌تواند موفق ظاهر شوند و به پیشگیری و کاهش قتل‌های ناموسی کمک کنند که تعریف جدیدی از کج‌رویی‌ها را ارائه دهد اگر نتواند تعریف جدیدی ارائه دهد و اگر این نهادهای حمایتی نتوانند واقعا به زنان حقوق و تکالیف‌شان را یادآوری کنند و در همان حال هم یک مکانیزم قدرتمندی داشته باشند که هر جا زنی با تهدید مواجه شد بتواند به آنجا مراجعه کند و بتوانند آنها را از لحاظ مددکاری اجتماعی و قانونی پوشش دهد مفید نخواهند بود. نهاد قدرتمندی مانند اورژانس اجتماعی و بهزیستی باید بتواند زنان آسیب‌دیده

را در دامن بگیرد.

وی در جواب اینکه با قتل‌های اخیر زنان بسیاری در فضای مجازی از آن به نام زن‌کشی اسم بردند و هشتگ زدند اما کدام یک از این تعاریف صحیح است زن کشی یا قتل ناموسی، به گفت: بر اساس تعریفی که کمیسوین زنان

مجازات مرتکبین قتل ناموسی باز می‌گذارد. سومین بُعد پسا قتل است؛ بعد از قتل ناموسی با وجود جنازه مقتول، حق خونخواهی و حق شکایت آنچنانی برای مادر و بستگان زن وجود ندارد و بعد از وقوع جرم هیچ ساز و کاری برای جبران خسارات به مادر یا فرزند زن یا بستگان وجود ندارد.

گزارش «دهنگی کوردستان»

واکاوی قتل‌های ناموسی در کوردستان



شیمیا قوشه: در وقوع قتل‌های ناموسی دو دلیل دخیل است یکی فرهنگ و سنتی که در بسیاری از خانواده‌ها ساری و جاریست و زن را به عنوان ملک مردان خانواده در نظر می‌گیرد و دیگری در خصوص فرزندکشی به دلیل جواز غیر مستقیمی که قانونگذار به پدر داده و خیالش راحت است که قصاص نمی‌شود و ممکن است مجازات تعزیری هم نشود و کسی هم از او مطالبه دیه نکند بنابراین به راحتی مرتکب این‌گونه جنایت‌ها می‌شود.

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی قصاص را شامل حال پدر و جد پدری نمی‌داند همچنین در ماده ۶۳۰ تعزیرات بیان می‌کند که اگر مردی همسر خود را با مرد دیگری دید می‌تواند آنها را بکشد و مجازات ندارد امری که بسیاری از حقوقدانان معتقد بر جرم‌زا بودن این مواد قانونی هستند که به تسریع جرم کمک می‌کند. قوشه با اعتقاد به این‌که این ماده قانونی جواز است که قانونگذار به صورت غیر مستقیم در مورد فرزندکشی به پدر داده است و نیاز به اصلاح دارد می‌گوید: اگر قسمت قهقی ماجرا را نمی‌توانیم اصلاح کنیم یا مثل بقیه موارد حکم قصاص برایش صادر شود هر چند من به شخصه با هر گونه اعدام و قصاص مخالف هستم اما می‌توانیم مطالبه کنیم تا قسمت تعزیری مجازات بیشتر شود هم در مورد فرزند کشی توسط پدر و هم در شرایط کلی توسط هر فرد دیگری که دست به قتل می‌زند و به هر دلیلی قصاص نمی‌شود. در این مورد اگر مقایسه کنیم تناسبی بین جرم و مجازات وجود ندارد مثلا در کلاهبرداری مشدد هم که مال شخص برده شده حداکثر مجازات ۱۰ سال حبس است و در قتل هم که دیگری جان یک فرد را گرفته ۱۰ سال است و تناسب بین جرم و مجازات که از اصول اولیه حقوق کیفری است در این خصوص در نظر گرفته شده است.

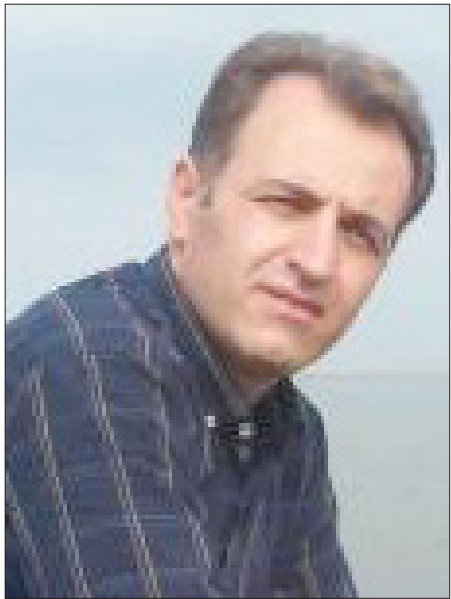
قوشه در مورد تاثیر بیماری کرونا بر افزایش میزان خشونت خانگی علیه زنان و نیز قتل‌های ناموسی بیان می‌کند: اپیدمی این بیماری جهانی است ما شاهد این بودیم که در همه جای جهان آماری که ارائه شده میزان خشونت خانگی شدت و افزایش داشته و دلیل آن هم این است که افراد خانواده بیشتر با همدیگر در خانه هستند و مراده دارند و مجبورند همدیگر را تحمل کنند این در حالی است که در حالت عادی شاید چند ساعت همدیگر را می‌دیدند، اما به خاطر این بیماری مجبورند بیشتر با هم سرکنند و ساعات بیشتری را با هم باشند و از آنجایی که به ما یاد ندادند تا باهم بتوانیم با مدارا صحبت کنیم و سر مسایل و مشکلاتمان گفتمان داشته باشیم ممکن است مرتکب خشونت شویم. این وکیل دادگستری ادامه می‌دهد به صورت کلی چند نکته را در این امر دخیل هستند؛ باتوجه به شرایطی که در کشور ما وجود دارد فاکتور اقتصادی را نمی‌توان نادیده گرفت و این مسأله‌ای است که سبب می‌شود آستانه صبر و تحمل افراد کمتر شود و میزان خشونت هم بیشتر شود و در این مقوله هم معمولا زنان و کودکان هستند که آسیب‌پذیر هستند.

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت سال ۹۲ زیر نظر شهین‌دخت مولاولردی معاون وقت رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده تدوین شد لایحه‌ای که به دلیل ماهیت قضایی آن از آن زمان تا کنون در راهروهای قوه قضاییه و مجلس سرگردان است و مصومه ابتکار معاون کنونی رئیس جمهور در امور زنان و خانواده بعد از قتل رومینا اشرفی خیر از این ضرورت تصریح در تصویب آن داده و رئیس جمهور هم در این خصوص دستور صادر کرد لایحه‌ای که به اعتقاد فعالان حوزه زنان مانند شیر بی‌بال و دمی شده و چیزی از آن باقی نمانده است.

قوشه در این مورد می‌گوید: در متن لایحه به مواردی چون قتل ناموسی پرداخته نشده و به این موارد خیلی توجه نکرده اما با توجه به این که یک بخش آموزشی و فرهنگ‌سازی هم دارد و برخی نهادها را ملزم کرده که فرهنگ سازی کنند اگر به درستی اجرا شود هر چند قانون نیم‌بندی است و جامع و مانع نیست اما اگر همین هم به درستی اجرا شود ممکن است در آموزش افراد جامعه در خصوص تأمین امنیت زنان موثر و مفید واقع شود.

این وکیل دادگستری و فعال حوزه زنان راهکار پیشگیری از وقوع چنین قتل‌هایی را مطالبه حقوق زنان می‌داند و تاکید می‌کند لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت هرچه سریعتر به تصویب نهایی برسد و از طرفی بتوان مجازات تعزیری فردی که قصاص نمی‌شود را تغییر داد و همچنین باید فضا برای فعالان جامعه مدنی باز باشد تا بتوانند روشنگری کنند و نهادهای حاکمیتی هم این وظیفه را دارند مثل صدا و سیما و رسانه‌ها و بقیه نهادهای ارگان‌ها، آموزش و پرورش و هر جایی که در این امر دخیل هستند و وظیفه فرهنگ‌سازی دارد باید نسبت به این موضوع بیشتر وقت بگذارد و تولید محتوا کند و باعث شود تا افراد هم نسبت به حقوق‌شان آگاه شوند و هم این‌که این با مدارا زیست‌تر یا کنار همدیگر تمرین کنند و آموزش دهند.

است، نقدی در این زمینه بیان می‌کند: زنان و دختران امروزی جامعه ما بیشتر از مردان به منابع اطلاعاتی دسترسی دارند مانند این‌که زمان بیشتری را برای خواندن کتاب، تماشای تلویزیون و بودن در فضای مجازی به واسطه وقت آزاد بیشتر نسبت به مردان صرف می‌کنند و نیز



هادی نقدی: قتل ناموسی مختص کوردستان نیست، چون قتل‌های ناموسی در کوردستان بیشتر آشکار می‌شود و به دلیل م‌ذموم بودن و قبیح بودن آن در جامعه کوردستان از دید منتقدان این حوزه پنهان نمی‌ماند به همین دلیل بیشتر نمایان می‌شود مانند ختنه زنان که در بسیاری از مناطق دیگر ایران وجود دارد اما تنها در کوردستان برجسته می‌شود

به طور کلی علل فرهنگی، اقتصادی و عدم توسعه یافتگی، اجتماعی، دلایل روانی و شرعی و شخصیتی از دلایل وقوع چنین قتل‌هایی در کوردستان است

نسبت دادن قتل ناموسی به کوردستان ستمی به فرهنگ و جامعه کوردی است

«هادی نقدی» روانشناس و روان‌درمانگر با تاکید بر این موضوع که قتل‌های ناموسی مختص کوردستان نیست و خاص جوامع شرقی است و نباید آن را فقط به کوردستان نسبت داد و کوردستانی کردن آن ستمی در حق جامعه کوردی و ستمی به فرهنگ و جامعه کوردی است می‌گوید: به نظر من کوردستان دارای اصالت فرهنگی است. من فکر نمی‌کنم در هیچ جایی مانند کوردستان به زنان احترام گذاشته شود. مثلا در مناطق روستایی کوردستان اگر مهمان غریبه‌ای در خانه‌ای حضور داشته باشد زنان به راحتی از او پذیرایی می‌کنند و سر یک سفره با او غذا می‌خورند و یا اگر مرد غریبه‌ای را ببینند به راحتی با او دست می‌دهند مانند آنچه امروز در اروپا وجود دارد در حالی که ما در جوامع دیگر این امر را نمی‌بینیم و اگر بخواهیم فرهنگ خود را بشناسیم باید به جاهایی رجوع کنیم که بکر و تازه و دست نخورده هستند بنابراین به نظر من قتل ناموسی پیوندی با کوردستان ندارد. به گفته این روان‌درمانگر چون قتل‌های ناموسی در کوردستان بیشتر آشکار می‌شود و به دلیل مذموم بودن و قبیح بودن آن در جامعه کوردستان از دید منتقدان این حوزه پنهان نمی‌ماند به همین دلیل بیشتر نمایان می‌شود مانند ختنه زنان که در بسیاری از مناطق دیگر ایران وجود دارد اما تنها در کوردستان برجسته می‌شود.

نقدی با اشاره به این‌که جامعه کوردستان در بحث قتل‌های ناموسی زیر فشار است با برشمرن این دلایل معتقد است ایزه کردن زن در تمام خاورمیانه و خود را مالک زن دانستن وجود دارد و این ربطی به فرهنگ کوردی ما ندارد بلکه در پیوند با نگاه دینی است که در بین تمام مسلمانان مشترک است که اگر زنی مرتکب خیانت شود انگار به مایملک مرد خیانت کرده است در حالی که این حس در زنان کمتر است که اگر مردی مرتکب خیانت شد او را بکشد. به اعتقاد این روانشناس اولاً طبیعت تند و خشن کوردستان مانند سرمای سخت و طاقت‌فرسای زمستان و گرمای تابستان به سبب جغرافیای آن بر مردمان این دیار سخت می‌گیرد و این طبیعت سخت انسان‌ها را کم‌تحمل بار می‌آورد دوما در سده اخیر و در تاریخ کوردستان صفاتی مانند غیرتی بودن و جنگاور بودن به مردان نسبت داده شده و مردان هم مانند لباس و هویتی آن را قبول کرده‌اند و هر زمانی که چیزی این صفات را از آنها بگیرد واکنش تند نشان می‌دهند و می‌خواهد مردانگی خود را نشان دهد و این امر با خطای زن تحت تاثیر قرار می‌گیرد و سبب می‌شود تا واکنشی خشن نسبت زنان صورت گیرد. سوما به خاطر این‌که کوردها به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی همیشه در تنگنا و فشار روانی بوده‌اند همین سبب شده تا هیجانی باشند و این مؤلفه‌ها بستری برای خلق مرد هیجانی فراهم کرده است.

به اعتقاد آسیب‌شناسان اجتماعی شکاف نسلی و یا گسست‌های فکری و عدم وجود گفت‌وگو و ارتباط مناسب در خانواده یکی از دلایل وقوع چنین قتل‌هایی و خشونت

هفته‌نامه فرهنگی اجتماعی دهنگی کردستان

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:..... **هوشیار بابایی**

سر‌دبیر:..... **فرهاد هادی**

زیر نظر شورای نویسندگان

خبر و گزارش:..... **جبار دست باز**

لیتوگرافی و چاپ:..... **پیام رسانه همدان**

صفحه‌آرایی:..... **هاوری محمدی**



نیلوفر حامدی

یادداشت

«قتل ناموسی» مد شده؟ این پرسشی است که در هفته‌های اخیر، در مواجهه با افراد مختلف و با واژه‌هایی متنوع با آن روبرو شده‌ام. پرسشی که تصورش بر آن است که پدیده زن‌کشی موضعی جدید است و به چشم آسیب اجتماعی نو به آن نگاه می‌کند. حال آنکه، این اتفاق شوم نه برای امروز و دیروز که سابقه‌ای طولانی دارد. سابقه‌ای به قدمت ظهور زندگی شهری، دور شدن زنان از عرصه عمومی، محدود شدن آن‌ها به خانه و خانواده هسته‌ای و تعریفی جدید که زن را دارایی مردان معرفی کرد. با این وجود اما چه شد که قتل ناموسی، حالا و این چنین، آذهان و احساسات عمومی را درگیر خود کرد؟

در سال‌های گذشته هم، چنین اتفاقاتی رخ داده بود. از دختر کوچک اهل «سمیرم» که تنها به خاطر بالا زدن مقنعه‌اش به خاطر گرمای هوا از مسیر مدرسه تا خانه، با همکاری پدر و برادرش به قتل رسید، تا زن ایلامی که برادرش او را کشت، چون شنیده بود خواهر با مردی آشنا شده است. تلخ‌تر از این‌ها هم بود، مثلا «گل بهار» پسرعموها و برادر او را سوزاندند و نوادش را هم مسموم کردند، یا «زینب» که مثله شد چون نمی‌خواست با مردی همسن پدربزرگش ازدواج کند. ماجرای قتل «رومینا اشرفی»، دختر ۱۳ ساله‌ای که به دست داس پدر سرش بریده شد، اما به نحوی دیگر جامعه را تکان داد. این پرونده، ابعاد مختلفی داشت که ویژگی‌های آن توانست باعث جلب بیشتر توجه مردم به آن شود. اما آن نکات چه بود؟

سن رومینا؛ رومینا سنی نداشت. هنوز وارد ۱۴ سالگی هم نشده بود. در واقع تنها چند روز تا تولدش زمان باقی مانده بود. همین موضوع، یعنی سن کم رومینا سبب شده بود تا قصه دردناک‌تر از همیشه باشد. در ماجراهای قبلی اگرچه دختران جوان زیادی قربانی شده بودند، اما رومینا از محدود نراتی بود که هنوز فرصت زیادی برای نوجوانی داشت و مدت زیادی از کودکی‌اش نگذشته بود.

آلت قتل؛ داس، ابزاری که قرار است گندم و جو را بچیند و برنج و نان راهی خانه‌های مردم کند، در این پرونده، آلت قتل شد. وسیله‌ای که به خودی خود، بر عنوان این پرونده رنگ خشونت تندتری پاشید تا روشن شود، مرد خشمگینی که رگ عبرتش باد کرده فکری جز کشتن در سر ندارد. در تایید این دیدگاه باید سراغ زمان ارتکاب جرم رفت. وقتی که بدائیم آقای اشرفی، مادر خانواده را با لباس‌های نشتسته در حمام می‌گازد، در حمام را می‌بندد و سراغ دخترش می‌رود، آن هم وقتی که رومینا در خواب است و بدتر از آن اینکه،

دهنگی کردستان در انتخاب و ویرایش مطالب آزاد است.

مطالب چاپ شده لزوما نظر گردانندگان آن نیست.

گستره توزیع: استان های ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی

آدرس: **سنندج**، میدان آزادی ، انتهای کوچه عدالت

تلفن همراه: ۰۹۱۸۹۶۹۴۴۷۴

ایمیل: DengiKurdistanWeekly@gmail.com

چهارشنبه ۴ تیر ماه ۱۳۹۹ / سال ششم / شماره ۱۰۷

گوش‌ها و چشم‌هایمان را بسته بودند که زن‌کشی را نمی‌دیدیم

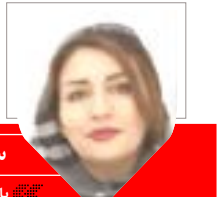


می‌داند که پسر ۶ ساله‌اش هم کنار رومینا به خواب رفته است.

روایت همسایه‌ها حاکی از آن است که قاتل پس از ارتکاب جرم، داس خونینش را بالا برده و فریاد زده که «من او را کشتم.» از انجام کارش راضی است یا جنون آتی سبب چنین واکنشی شده مشخص نیست، اما به خوبی می‌توان فهمید که مردی که آبرویش را لگه‌دار شده دید، ایایی از فریاد برای بازپس گیری آن ندارد. گویی، حالا پیکر آلوده به

گناه خانواده‌اش را تظہیر کرده است. سن قاتل؛ در شبکه‌های اجتماعی که برگردید به خوبی خواهید دید که تصور عموم بر آن است که چنین قاتلی باید یک مرد مسن باشد که فاصله زیادی با جامعه جوان و نسل امروزی دارد. همین مخاطب اما وقتی می‌فهمد که پدر رومینا درمیانه‌های ۳۰ سالگی به سر می‌برد و هنوز ۴۰ سالش هم نشده، حساسی شوکه می‌شود. از این بستر، شاید بهتر باشد سراغ نگاه دیگری هم برویم، نگاهی که به

کاهش قتل‌های ناموسی در گرو افزایش آگاهی عمومی



سوما صفاری

یادداشت

رفتار و اعمال خارج از قواعد و هنجارهای تعیین و تبیین شده توسط سیستم مردسالار، از طرف زنان، مردان به نام حفظ آبرو و دفاع از حیثیت و غیرت در انجام هرگونه برخورد تنبیهی و بازدارنده حتی قتل آنان مختارند.بر اساس ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی*(پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و تنها به پرداخت دیه به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد)، تعزیر در این قفره از جرایم حکمی معادل ۳ تا ۱۰ سال حبس است که اغلب در رسیدگی به این پرونده‌ها به دلیل اهمال و امهال و عدم وجود شاکی خصوصی کمترین میزان حبس در نظر گرفته می‌شود.بر اساس ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی‌هر گاه مردی زنش را با مرد دیگری در بستر ببیند و علم به عدم مخالفت زن داشته باشد می‌تواند هر دوی آنها را بکشد.فرهنگ، عرف، دین همراه با این دو ماده قانونی راه را برای قتل‌های به اصطلاح ناموسی که اکثرا توسط مردان خانواده مقتول انجام می‌شود، هموار کرده است. طبق آمارهای رسمی در ایران سالیانه بیش از ۴۰۰ قتل ناموسی اتفاق می‌افتد، این یعنی ۲۰ درصد از کل قتل‌های کشور در یک سال، البته آمار واقعی بنا به مخفی بودن اکثر قتل‌های ناموسی و عدم اطلاع رسانی ووبازتاب اجتماعی و رسانه‌ای بالاتر از میزان ذکر شده است.در ایران نیز استان‌های کردستان، کرمانشاه، خوزستان، فارس، ایلام، سیستان و بلوچستان و اردبیل بیشترین امار قتل ناموسی را به خود اختصاص داده‌اند. دراکثر موارد پرونده های قتل‌های ناموسی، قاتل زن قصاص نمی‌شوند چون قاتلان از مردان خانواده مقتول هستند و خانواده‌ها یا همان اولیا دم نمی‌خواهند قتل نفس دیگری در خانواده اتفاق بیفتد، البته دلایلی دیگر از جمله عدم توان پرداخت دیه تکمیلی برای انجام قصاص می‌تواند موثر باشد، از طرفی دیگر در عرف و فرهنگ عامه مردم و با پشتیبانی قانونی از این طرز فکر، قاتل برای حفظ آبرو و شرف خانواده دست به این قتل زده و کار اشتباهی مرتکب نشده که مستوجب قصاص باشد بلکه ناموس پرستی و غیرتمندی او را هم تحسین می‌کنند. و در اکثر موارد هیچ نشانی از ندامت و

پشیمانی بعد از ارتکاب قتل به دلیل باورهای غلط ناشی از عرف و سنت در قاتل دیده نمی‌شود.زنان قربانی قتل‌های ناموسی اغلب و به دفعات متعدد انواع خشونت‌های مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی و جسمی را تجربه کرده‌اند که در اکثر موارد از حقوق قانونی خویش و وجود مراجع و نهادهایی برای دریافت حداقل فرصت‌های حمایتی قانونی موجود و حتی شناختی از انواع خشونت‌ها و نحوه شکایت و پیگیری از مرتکبین آن را ندانند، در سالیان اخیر فعالان حوزه زنان با در پیش گرفتن برنامه و راه کارهای مختلف جهت آگاه سازی زنان از حقوق اجتماعیشان به عنوان انسان‌هایی صاحب کرامت انسانی و جلب توجه آنان به توانمندی‌های خود من جمله دستیابی به استقلال اقتصادی و پایان دادن به سیکل معیوب باز تولید الگوهای مردسالارانه برای داشتن فردایی متفاوت در تلاشند.فعالین مدنی و اجتماعی آشنا با ساختارهای قانونی موجود با آگاهی از نواقض و خلاهای قانونی و حمایتی زنان می‌توانند در پروسه تلاش برای تحقق برابری حقوقی زنان و مردان بسیار مثمر ثمر عمل کنند.خاننه‌های امن و مراکز اورژانس اجتماعی و البته قابل دسترس بودن آن‌ها در تمام شهرها می‌تواند یک نقطه قوت دیگر برای پیشگیری از تکرار قتل‌های ناموسی باشد. با آشنایی زنان با این مراکز و روند طرح مشکل و درخواست کمک برای پناه گرفتن در هنگام وقوع خشونت و حتی مشاوره با خشونت‌گر می‌تواند در پایین آوردن آمار قتل‌های ناموسی موثر باشد. آگاهی رسانی عمومی و شفاف سازی جمعی و رسانه‌ای و گنجاندن مفاد آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها و آموزش کودکان یکی دیگر از مؤثرترین راهها برای تسریع روند نهادینه کردن فرهنگ برابری زنان و مردان می‌باشد.در نهایت حل این معضل چند صد ساله بر خاسته از بطن جامعه سنتی، جز با تلاش همه جانبه و صادقانه همه آنان که این معضل را یک مسئله لازم الحل می‌بینند و می‌دانند میسر نخواهد بود و این مهم جز با مشارکت همه اقشار جامعه برای اصلاح قوانین زن ستیز و ترویج و تقییم برابری حقوق زنان و مردان و گذار از فرهنگ سنتی مردسالار محقق نخواهد شد

آگهی تغییرات شرکت
خدمات درمانی شفا یاب کردستان شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۰۰۹۷ و شناسه ملی ۴۰۰۰۲۹۱۳۲۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۲ تصیمیات ذیل اتخاذ شد:
۱۰- آقای سیدهجمل حسینی به شماره ملی ۰۴۲۷-۳۷۶۱۱ به سمت بازرس اصلی و آقای ازاد رمزپاز به شماره ملی ۰۳۷۲۲-۳۷۶۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه شرح فوق اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کردستان مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری سقر (۹-۰۹۱۴)

آگهی تغییرات شرکت
خدمات برق ابرق بردن سقر شرکت سهماي خاص به شماره ثبت ۴۰۴ و شناسه ملی ۰۲۸۳۶۹۷۱۰۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱۰- تغییر آدرس شرکت در واحد ثبتی ؛ محل شرکت در واحد ثبتی سقر به آدرس شهرستان سقر ؛ بخش مرکزی ، شهر سقر، محله کاظم خان ، خیابان ملت ، خیابان امام خمینی ، پلاک ۰ ، طبقه دوم کد پستی ۶۶۸۱۶۱۹۶۹ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه شرح فوق اصلاح گردید.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کردستان مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری سقر (۸۹۱۴)

ناموس؛ شمشیر داموکلس نظام خانواده



کمال حسینی

یادداشت

«جامعه مردسالار، ناموس را به مثابه «شمشیر داموکلس» بر سر خانواده می‌بیند، همیشه و در همه حال تهدیدی علیه نظام خانواده به شمار می‌رود. در چنین نظامی مهار و کنترل این تهدید، ویژگی اصلی خانواده است. خانواده‌ای که قدرت مهار و کنترل را از دست بدهد از نظر منزلت اجتماعی تنزل می‌یابد و مردانگی مردان عضو آن نیز زیر سوال می‌رود. هرگاه تهدید (ناموس) از کنترل خارج و مهار نشود، برای جبران افتخار از دست رفته و تسکین مردن قصد جانش می‌کنند. «ناموس‌پرست‌ها» با این ادعا که «بی‌ناموس‌ها»، موجب تنزل نام خانوادگی و از کف دادن حیثیت و افتخار آنهاست، اقدامات خود را توجیه می‌کنند.

در جوامع مردسالار، فعالیت دختران و زنان از نزدیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسئولیت نگهداری از پرده بکارت و پاکیزگی جنسی زن برعهده خویشاوندان مرد است، اول پدر و برادر و سپس همسرش. گفته می‌شود که قربانیان قتل‌های ناموسی معمولاً دست به اقدامات نامشروع جنسی زده‌اند، در مکالمه علنی مردانی که به آنها بطری نارند تا رابطه جنسی خارج از ازدواج حتی اگر قربانی مورد تعرض یا تجاوز جنسی قرار گرفته باشد. با این وجود، یک زن می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله امتناع از ورود به یک ازدواج تنظیم شده یا به دنبال طلاق یا جدایی حتی از یک شوهر بد ذهن و خشن، مورد قتل واقع شود.
صرف سهو ظن مرد مبتی بر اینکه زن به گونه‌ای عمل کرده است که می‌تواند به نام خانوادگی وی آسیب برساند، ممکن است باعث حمله شود. این فرضیات عموماً مبتنی بر احساسات و ادراک مردان است نه بر حقیقت عینی؛ و اذضا، خویشاوندان زن هم غالباً از قتل‌ها دفاع می‌کنند و گهگاهی به انجام آنها کمک می‌کنند. این جنایات در سراسر جهان روی می‌دهد و فقط به یک گروه، دین یا باور خاص محدود نمی‌شود.
با این حال، آنها در مناطق مختلف خاورمیانه و آسیای جنوبی تقریباً به طور گسترگمیر و مداوم اتفاق می‌افتند که تقریباً نیمی از کل قتل‌های ناموسی در هند و پاکستان رخ می‌دهند. در سال‌های اخیر، آگاهی در مورد قتل ناموسی در ایران بالا رفته است؛ با این حال، این روزها اخبار و به تبع آن تحلیل‌های مرتبط با قتل‌های ناموسی در راس حوادث اجتماعی قرار دارد. البته این میزان از توجه افکار عمومی به موضوع قتل‌های ناموسی را بیش از هر عاملی باید در نفوذ شبکه‌های اجتماعی نامی توده جستجو کرد.
روشن است جامعه‌از وقوع سرریالی اینگونه قتل‌ها آزرده خاطر شده اما به نظر نمی‌رسد عزم جدی برای تغییر رفتار نسبت به مساله ناموس شکل گرفته باشد و به علاوه افراد و نهادهای بانفوذ هم مایل به انجام اقدامات پیشگیرانه برای کاهش این جرایم نیستند. حتی ما شاهدیم بعد از وقوع قتل‌های ناموسی در اغلب موارد مرد به جرم قتل تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرد، اما در نهایت بخش سنتی جامعه و حتی دادگاه بر رفتارهای زن متمرکز می‌شوند، نه خشونت علیه او. و هنگامی که مردی مقصر شناخته می‌شود، متمم می‌تواند ادعا کند که این جنایت برای بازگرداندن آبرو و افتخار خانوادگی انجام شده و از دادگاه درخواست حداقل مجازات و یا عفو کند.
گرچه مسئولیت این دسته از خشونت‌ها از نمی‌توان به جامعه شهری و روستایی، طبقه فقیر و غنی ویا دیندار و بی دین تقسیم کرد اما درعین حال

فعالان اجتماعی و حقوق دانان در ایران سال‌های سال، از لزوم تغییر قوانین گفته و نوشته‌اند. از اینکه قتل ناموسی متوقف نمی‌شود، مگر اینکه رویکرد و نگاه قیم‌مابانه‌ای که در قانون برای مردان و نسبت به زنان وجود دارد، برچیده شود. اینکه زن‌کشی تعطیل نمی‌شود، مگر اینکه حقوق مساوی برای زنان و مردان و در فضای خانواده برای پدر و مادر تعلق گیرد. نمی‌توان پدر را صاحب اختیار فرزندان دانست و انتظار داشت، رومینا زنده بماند. نمی‌توان میزان مجازات کمتری برای خشونت علیه کودکان از سوی پدر نسبت به مادر تعیین کرد و توقع داشت که داس‌ها و تبرها از روی گردن دختران برداشته شود.

پس از رومینا، سه خبر دیگر زن‌کشی هم در کشور اعلام شد. فعالان اجتماعی نگران این هستند که حالا که حساسیت‌ها افزایش یافته و اخبار قتل‌های ناموسی بیش از گذشته رسانه‌ای می‌شود، نوعی خمودی و سرشدگی در جامعه سبب شود تا گوش‌ها به این جنایت‌ها عادت کند. برای جلوگیری از این اتفاق ترسناک، اهالی رسانه و دغدغه‌مندان مدنی باید پای کار بمانند. حالا وقت خسته شدن و عقب کشیدن نیست. روزی یکی از همکارانم در تحریریه از من پرسید: چرا اخبار آسیب‌های اجتماعی از استان‌های کردنشین بیشتر به گوش می‌رسد؟ یعنی آمارش بیشتر است؟ در پاسخ گفتم که دربارہ آمار با توجه به اینکه داده‌های درستی در دست نیست، نمی‌توانم قضاوتی بکنم اما این رامی‌دانم که اگر از کردها بیشتر می‌شنویم، چون زبان مطالبه‌گری و جامعه آماري فعالان اجتماعی در این مناطق پیش از خیلی از استان‌های کشور است.

یادمان باشد، اگر خبر رومینا منتشر شد، به لطف فعالین بومی همان منطقه بود که قتل ناموسی و زن‌کشی را می‌شناختند، نسبت به آن حساس بودند و به محض وقوع، پای رسانه‌ها را به میان کشیدند. صدای رومینا نه تنها خاموش نماند، بلکه ۱۰ روز بعد از پرپر شدن او، لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان هم بعد از سال‌ها توانست تایید شورای نگهبان را بگیرد. حالا، این را می‌دانیم که اگر رومینای دیگری دچار دردسر شود، قانون و ضابطانش، وظیفه دارند از او حمایت کنند. حالا می‌دانیم تا زمانی که صدای جامعه مدنی خاموش نشود، مطالبه گری و احقاق حقوق، ادامه دارد.

اگر مدت‌های طولانی دست‌هایی جلوی چشم‌ها و گوش‌هایمان را گرفته بود تا زن‌کشی و قتل ناموسی را نبینیم و نشنویم، حالا که دیگر می‌دانیم اوضاع از چه قرار است، حالا که دیگر خون‌های ریخته شده را دیده و ضجه عزاداران را شنیده‌ایم، دیگر جایی برای توجیه نمی‌ماند. تا دیروز اگر تقتصیری بر گردن نداشتیم، از رومینا به بعد، هر خونی که بر سر ناآگاهی و تعصب ریخته شود، احتمالاً ما هم با قاتل همدستیم.

^[1] «جامعه مردسالار، ناموس را به مثابه «شمشیر داموکلس» بر سر

^[2] «جامعه مردسالار، ناموس را به مثابه «شمشیر داموکلس» بر سر